

The Effects of Education on Happiness: Implications for the Easterlin Paradox

Mina Moshgriz*, **Younes Nademi****
Syed Parviz Jalili Kamjoo***

Abstract

The purpose of this article is to investigate how education affects happiness in selected developing and developed countries in the period 2005-2016. For this purpose, using dynamic and static panel methods, the factors affecting happiness with emphasis on training indicators have been estimated. The estimation results in selected developing countries have shown that preschool enrollment rate and elementary enrollment rate have no significant effect on happiness, but secondary enrollment rate and university enrollment rate have a significant negative effect on happiness. The estimation results in selected developed countries have also shown that the preschool enrollment rate has a significant positive effect on happiness, which shows the attention of the preschool education system in these countries to improve the level of happiness, but the primary enrollment rate, secondary enrollment and university enrollment rates did not have a significant effect on happiness. Therefore, in general, it can be concluded that the higher the level of education of individuals has caused the lower the happiness of individuals or at least

* Master of Science in Educational Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran, minamoshgriz@gmail.com

** Assistant Professor in Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran (Corresponding Author), younesnademi@abru.ac.ir

*** Assistant Professor in Economics, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran, parviz.jalili@abru.ac.ir

Received: 2022/1/23, Accepted: 2022/6/13



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

did not have a significant effect on happiness. One of the reasons for this is that with the increase of education, a person's expected happiness becomes more gap with his realized happiness, because the promotion of education increases the level of expectations, and as a result, because the realized happiness does not increase in proportion to the expected happiness, improving the level of education will further reduce happiness. This finding could be another indication of the existence of the Easterlin paradox.

Keywords: Happiness, Education, Developing Countries, Developed Countries, Panel Approach

JEL Classification: I31 J21 .O57، C23



اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین

مینا مشگریز*

یونس نادمی**، سید پرویز جلیلی کامجو***

چکیده

هدف از این مقاله بررسی چگونگی اثرگذاری آموزش بر شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ بوده است. بدین منظور با استفاده از روش‌های پانل پویا و ایستا عوامل موثر بر شادی با تاکید بر شاخص‌های آموزش مدل‌سازی و برآورد شده است. نتایج برآورد مدل پژوهش در کشورهای منتخب در حال توسعه نشان داده است نرخ مثبت نام پیش دبستانی و نرخ مثبت نام ابتدایی تاثیر معنی‌داری بر شادی نداشته‌است اما نرخ مثبت نام متوسطه و نرخ مثبت نام دانشگاه تاثیر منفی و معنی‌داری بر شادی داشته‌است. نتایج برآورد مدل پژوهش در کشورهای منتخب توسعه یافته نیز نشان داده است نرخ مثبت نام پیش دبستانی تاثیر مثبت و معنی دار بر شادی داشته است که نشان دهنده توجه نظام آموزشی پیش دبستانی در این کشورها به ارتقای سطح شادی است اما نرخ مثبت نام ابتدایی، نرخ مثبت نام متوسطه و نرخ مثبت نام دانشگاه تاثیر معنی‌داری بر شادی نداشته‌اند. بنابراین در مجموع می‌توان نتیجه گرفت هرچه مقطع تحصیلی افراد بالاتر رفته است شادی افراد کاهش یافته یا حداقل بطور معنی‌داری تاثیر بر شادی نداشته است.

* کارشناس ارشد اقتصاد آموزش، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران minamoshgriz@gmail.com

** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)، younesnademi@abru.ac.ir

*** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران parviz.jalili@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳



یکی از دلایل این موضوع آن است که با افزایش تحصیلات شادی انتظاری فرد با شادی تحقق یافته وی شکاف بیشتری پیدا می‌کند زیرا ارتقای آموزش باعث افزایش سطح انتظارات فرد شده و در نتیجه چون شادی تحقق یافته متناسب با شادی انتظاری افزایش نمی‌یابد لذا می‌توان گفت که ارتقای سطح آموزش موجب کاهش بیشتر شادی می‌شود. این یافته می‌تواند دلالتی دیگر بر وجود پارادوکس استرلین باشد.

کلید واژه‌ها: شادی، آموزش، کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته، روش پانل.

طبقه بندی JEL: I31, I21, O57, C23

۱. مقدمه

یکی از ارکان رشد و توسعه کشور بخش آموزش آن است. به عبارت دیگر از یک طرف آموزش از طریق ارتقای سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی ابزاری برای دستیابی به رشد و نهایتاً توسعه است و از طرف دیگر آموزش خود می‌تواند یکی از اهداف توسعه باشد.

مفهوم شادی یا شادکامی (Happiness) از پیچیده‌ترین مفاهیم در طول تاریخ بشریت بوده است. در متون فلسفی دو تعریف نسبت به مفهوم "شادی" مطرح است. یک تعریف شادی را مترادف با بهزیستی یا شکوفایی میداند و در تعریف دوم شادی به‌عنوان حسی روانشناختی شبیه به آرامش تعبیر می‌شود (کاوند و نادمی، ۱۴۰۰). با این وجود تعریف شادی در سایر متون علمی بسیار متفاوت بوده است. در مقاله حاضر به تبعیت از تعریف وینهون (Veenhoven, 1990) منظور از شادی همان رضایت از زندگی است که درجه‌ای است که فرد کیفیت زندگی خود را به‌طور کلی مثبت ارزیابی می‌کند. علی‌رغم پیشرفت علم و فناوری در دنیای امروز، وجود ناامیدی و بسیاری از مشکلات روانی دیگر در بخش قابل توجهی از مردمان جهان نشان می‌دهد، دستیابی به جامعه‌ای شاد برای آحاد جامعه همچنان چالش برانگیز است. در همین راستا یکی از مهمترین تناقضات پیرامون مطالعات شادی، پارادوکس استرلین است. استرلین (Easterlin, 1974) تناقض بین شادی و درآمد سرانه را اینگونه توضیح داده است که اگرچه در کوتاه مدت رابطه درآمد با شادی مثبت است اما در بلندمدت با افزایش درآمد، شادی تغییرچندانی نکرده است و از این منظر رابطه درآمد و شادی در بلندمدت بیشتر شبیه یک رابطه U معکوس است تا یک رابطه مستقیم

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۳۳

صعودی (صداقت کالمرزی و زبیری، ۱۳۹۹). استرلین (Easterlin, 1995) بیان می‌کند یکی از دلایل ایجاد پارادوکس استرلین این است که همزمان با افزایش درآمد، افراد جامعه خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و همزمان با افزایش درآمد، انتظار آنها از شادی بیش از شادی تحقق یافته رشد می‌کند و در نتیجه افزایش درآمد نمی‌تواند لزوماً به شادی بیشتر در جامعه منجر شود. آموزش و پرورش در اینجا نقشی محوری می‌تواند ایفا نماید زیرا انتظارات فرد از شادی می‌تواند از سطح آموزش و پرورش فرد تاثیر پذیرد. در این راستا آموزش و پرورش همچنین می‌تواند یکی از ابزارهای تحقق جامعه‌ای شاد و سالم باشد یا بالعکس سیستم آموزش و پرورش نامناسب می‌تواند نتایج ناگواری در دستیابی به این اهداف برای جامعه در پی داشته باشد. به عنوان نمونه یکی از وظایف نظام آموزش و پرورش این است که دانش‌آموز را به انجام کارهای مشارکتی، گروهی، ورزشی و هنری تشویق کند تا در دانش آموز حس مفید بودن به وجود آید که این می‌تواند یکی از عوامل برای شاد شدن دانش‌آموزان باشد (نیازآذری، ۱۳۹۲). آموزش می‌تواند از طریق ایجاد آرامش روانی در جامعه موجب ارتقای سطح شادی شود. روان‌شناسان معتقدند فردی که آرامش روانی دارد می‌تواند به خوبی فکر کند و به خوبی تصمیم بگیرد و خود زمینه‌ای برای رشد و باروری اندیشه است. آموزش می‌تواند از طریق ارتقای سطح سرمایه انسانی به ارتقای سطح درآمدی افراد و در نتیجه بهبود سطح شادی در جامعه منجر شود (محمدزاده و همکاران، ۹۲). همچنین آموزش از طریق افزایش اعتماد به نفس و لذت‌یادگیری می‌تواند به ارتقای سطح شادی جامعه منجر شود. در مقابل در صورتیکه فرد آموزش دیده نتواند از طریق آموزش وارد بازار کار شود می‌تواند باعث ناراحتی و کاهش سطح شادی در جامعه شود. در واقع فرد تحصیل‌کرده با تحصیلات خود انتظار سطح بالاتری از کیفیت زندگی دارد که اگر این انتظارات برآورده نشود می‌تواند سطح شادی در جامعه را کاهش دهد. همچنین در صورتیکه آموزش منجر به آگاهی بیشتر افراد از مشکلات و دردهای جامعه شود می‌تواند به کاهش سطح شادی در افراد تحصیل‌کرده منجر شود. در نتیجه تاثیر خالص آموزش بر شادی در دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌تواند متفاوت باشد و نحوه اثرگذاری آموزش بر شادی در هر دسته از کشورها نیز از قبل مشخص نیست و نیاز به بررسی تجربی دارد.

دستیابی به سطوح بالاتر شادی در جوامع امروزی یکی از اهدافی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته دنبال می‌کنند. به عنوان مثال تاسیس وزارتخانه

شادی در امارات متحده عربی یکی از این نمونه‌هاست. در این راستا لازم است ابعاد گوناگون موثر بر شادی شناسایی شوند. یکی از این عوامل اثرگذار، آموزش است که در این پژوهش به بررسی نحوه اثرگذاری آموزش بر شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند در حوزه سیاستگذاری آموزشی در راستای دستیابی به سطوح بالاتر شادی در جامعه مفید باشد.

مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. پس از مقدمه‌ی بخش اول، بخش دوم به ادبیات نظری و پیشینه پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم روش تحقیق ارائه شده است و در بخش چهارم نتایج تحلیل شده‌اند. در نهایت بخش پایانی به نتیجه‌گیری و پیشنهاد اختصاص یافته است.

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲ ادبیات نظری

آموزش و ارتقای سطح تحصیلات به فرد می‌تواند این امکان را دهد تا به اهداف و خواسته‌هایش دست یابد یا با تغییرات اتفاق افتاده در طول زندگی‌اش بهتر خود را تطبیق دهد. اما ارتقای سطح آموزش و تحصیلات، انتظارات را بالا می‌برد زیرا آنها زمانی که بیکار می‌شوند بیشتر دچار بحران روحی و روانی قرار می‌گیرند و اگر انتظارات برآورده نشود تحصیلات می‌تواند با رفاه تداخل ایجاد کند. (جعفری، ۱۳۹۵)

پژوهشهای حوزه شادی نشان داده است اگر چه عوامل پولی و غیر پولی می‌تواند در شادی موثر باشد اما نقش عوامل غیر پولی همچون آموزش پررنگ‌تر است. داشتن شبکه اجتماعی گسترده‌تر و ارتباط با دنیای اجتماعی و مشارکت داشتن با دیگران که می‌تواند از طریق آموزش نیز فراهم شود، می‌تواند شادی فرد را افزایش دهد. آموزش قدرت استقلال را افزایش می‌دهد و در نتیجه از طریق ایجاد حس استقلال و اعتماد به نفس می‌تواند منجر به ارتقای سطح شادی فردی و در نهایت شادی جامعه شود (Chen, 2012).

از طرف دیگر از آن جا که تفاوت‌های تحصیلی و آموزشی در میزان طلاق و نرخ بیکاری موثر است بنابراین می‌تواند از طریق عوامل اجتماعی نیز بر شادی فردی و جمعی نیز اثرگذار باشد. همچنین آموزش می‌تواند توانایی فرد را ارتقا بخشد و ممکن است

توانایی فرد را در ایجاد ارتباط با خانواده و در ازدواج بهبود بخشد به طوری در افراد دارای تحصیلات بیشتر احتمال طلاق کمتری دیده می‌شود (Chen, 2012).

تحصیلات رسمی ممکن است از طریق کانال‌های مالی و غیر مالی بر شادی فرد تاثیر گذار باشند. کانال‌های مالی مثل درآمد، شغل، افزایش دستمزد و افزایش کیفیت شغلی و کانال‌های غیر مالی مثل وضعیت اجتماعی، حمایت اجتماعی، عزت نفس، وضعیت تاهل و وضعیت سلامتی و مهارت شناختی در فرد تاثیر گذار باشد (Dursun & Cesur, 2015).

صدها مطالعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده زندگی سالم‌تر و طولانی‌تری دارند و به احتمال زیاد در ازدواجشان موفق‌ترند. آنها روابط فردی با کیفیت‌تری داشته و فرصت‌های بیشتری را در بازار کار در اختیار دارند. با این حال تعداد زیادی از پژوهش‌ها در زمینه شادی بین آموزش عالی و بهزیستی ذهنی رابطه ناچیز و در بعضی مطالعات رابطه منفی گزارش شده است و نتیجه گرفتند که آموزش در مدرسه‌ها تنها موجب افزایش توانایی فرد می‌شود و به نظر نمی‌آید که مردم را شادتر کند. آموزش عالی می‌تواند افراد را جاه طلب‌تر کند و ممکن است رضایت از زندگی را کاهش دهد، زیرا تحقق آرزوهای بلند دشوارتر است. به عنوان مثال دانش‌آموختگان در کالج نسبت به دوستان کم تحصیل کرده خود، در رابطه با بیکاری سطح استرس بالاتری را تجربه می‌کنند. آموزش عالی ممکن است با بازده منفی غیر مالی همراه باشد. به عنوان مثال در مشاغل با درآمد بالا به دلیل داشتن مسئولیت بیشتر و سپری کردن طولانی‌مدت در محل کار می‌تواند منجر به افزایش استرس شود و کارمندانی که ساعات طولانی کار می‌کنند ممکن است تعادل کار و زندگی روزمره شان به چالش کشیده شود. یکی دیگر از تأثیرات منفی آموزش عالی هزینه بیکاری است بطوریکه افراد با درجات آموزشی بالا که شغل بهتری دارند با از دست دادن آن شغل برای آنها هزینه اقتصادی بیشتری به بار می‌آورد (Nikolaev, 2018 و Dursun & Cesur, 2015).

از دیگر مطالعات انجام شده اثر غیر مستقیم آموزش بر شادی از طریق کانال درآمد است. درآمد بالاتر منجر به مصرف بیشتر و باعث افزایش کارایی فرد می‌شود. اخیراً اقتصاددانان تحقیقی درباره تاثیر آموزش بر انواع مختلفی از نتایج غیر مالی را آغاز کرده‌اند مانند سلامتی، ازدواج و فرزند پروری که با بهزیستی ذهنی مرتبط است که در

این صورت بازده غیر مالی آموزش و پرورش می‌تواند به همان اندازه دارایی‌های مالی باشد (Nikolaev, 2018).

به عنوان مثال معمای استرلین در خصوص اینکه آیا افزایش درآمد همواره خوشبختی می‌آورد یا خیر از مهمترین مطالعات این حوزه بوده است. یافته‌های استرلین نشان می‌دهد افزایش درآمد تا سطوحی می‌تواند به بهبود شادی منجر شود اما پس از سطحی آستانه‌ای لزوماً نمی‌توان شاهد رابطه مثبت بین درآمد و شادی بود که این مسئله خود می‌تواند به دلیل ارتقای سطح آموزش در جامعه نیز باشد. به عبارت دیگر با ارتقای سطح آموزش افراد سطح توقع و انتظارات خود از شادی را افزایش داده و لذا با سطوح درآمدی بیشتر به دلیل افزایش شدید انتظارات خود از شادی، شاهد سطح بالاتری از شادی نخواهند بود و حتی ممکن است سطح شادی آنها علیرغم بهبود آموزش و سطح درآمدی کاهش یابد. بنابراین آموزش می‌تواند یکی از کانال‌های توضیح دهنده معمای استرلین باشد که طیف وسیعی از مطالعات حوزه شادی را به خود اختصاص داده است (Chen, 2012).

پژوهش‌های دیگر صورت گرفته در کشورهای مختلف برخلاف معمای استرلین نشان می‌دهند که همواره درآمد بالا با بهزیستی بهتری همراه است. بنابراین درآمد مطلق در بهزیستی فرد نقش دارد و در این رویکرد آموزش به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌گذاری‌ها در سرمایه انسانی می‌تواند از طریق افزایش درآمد افراد به بهبود شادی منجر شود (Chen, 2012). از دیگر مزایای غیر مالی آموزش این است که دانش‌آموزان را در روند کشف استعدادهای خود یاری می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا شغلی را پیدا کنند که با آرزوها و استعدادهایشان مطابقت بیشتر داشته باشد. آموزش دیده‌ها می‌توانند در انتخاب شغل بهتر عمل کنند پس داشتن تحصیلات خوب احتمال یافتن شغل و درآمد را افزایش می‌دهد. مطالعاتی نشان می‌دهد که افراد با تحصیلات بالا احتمال شغل رضایت بخش‌تر و استقلال کاری بیشتری دارند. به عنوان مثال در کارگران با پیشینه مشابه اما با تحصیلات بالا احساس موفقیت بیشتری می‌کند و از اعتبار بالاتری برخوردارند. آنها دارای شبکه اجتماعی قوی‌تری هستند و احساس کنترل بیشتری بر زندگی خود دارند. مهم‌تر اینکه تحصیلات بیشتر احتمال درگیر شدن با مصرف مواد مخدر را کاهش می‌دهد. طی تحقیقاتی که صورت گرفت افراد تحصیل کرده دوست دارند وقت بیشتری را با خانواده و دوستان خود بگذرانند و به این دلیل می‌تواند باشد که افراد تحصیل‌کرده بیشتر از

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۳۷

کسانی که کمتر تحصیل کرده‌اند خانواده و دوستانشان را مهم می‌دانند. شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه زنان با تحصیلات بالا تعداد فرزندان کمتری دارند و داشتن فرزندان بیشتر را از عوامل نارضایتی مالی در زندگی می‌دانند. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش والدین با تعداد بیشماری از پیامدهای مثبت همراه است. از جمله وظایف آنها آموزش درست به کودکان در زمینه رشد شناختی در اوایل زندگی تا رسیدن به دانشگاه و به دست آوردن شغلی خوب برای آینده‌شان است. والدین تحصیل کرده سبک تربیتی متفاوتی دارند آنها وقت بیشتری را صرف تربیت فرزندانشان می‌کنند و به آنها نظم و انضباط می‌دهند و آنها را تشویق می‌کنند تا دانش جدیدی را کسب کنند و بتوانند مستقل فکر کنند (Nikolaev, 2018).

۲.۲ پیشینه پژوهش

در مطالعه برخوردی و همکاران (۱۳۸۸) که بر روی ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان انجام شد به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی تأثیری معنی دار بر افزایش نمره انگیزه پیشرفت و افزایش نمره‌های شادکامی داشته است که نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. روی هم رفته نتایج بدست آمده در این پژوهش تأثیر آموزش مثبت اندیشی بر شادکامی دانش‌آموزان را تأیید می‌کند. در مطالعات بختیار نصرآبادی و پهلوان صادق (۱۳۹۱) که با هدف شناسایی تأثیر افزایش سطح تحصیلات و آموزش برنامه شادی فوردایس بر شادی صورت گرفت به این نتایج دست یافت که شاد بودن می‌تواند ناشی از تحصیلات بالاتر در میان افراد باشد و نشان داد که آموزش برنامه شادی فوردایس بر افزایش میزان شادمانی موثر است که جمع آوری اطلاعات با پرسش نامه استاندارد شده شادی فوردایس صورت گرفت. در پژوهش مجیدی و همکاران (۱۳۹۲) که تأثیر آموزش مدیریت استرس بر شادی کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی بررسی شده است. نتایج به این صورت بود که آموزش مدیریت استرس باعث افزایش میزان شادی در گروه مداخله شد ولی تأثیر مدیریت استرس بر گروه‌های مختلف تحصیلی و سطوح مختلف درآمدی بین زنان و مردان و در دو گروه مجرد و متأهل اثر یکسان داشته است. در پژوهش بحیرائی و همکاران (۱۳۹۶) که با هدف تأثیر آموزش مهارت مثبت اندیشی بر شادی کودکان انجام شد، نشان دادند که آموزش مهارت مثبت اندیشی منجر به افزایش شادی دانش‌آموزان دختر

شده است. که مطالعه از نوع نیمه آزمایشی، با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. در مطالعه‌ای که توسط بهرامی (۱۳۹۶) انجام شده است، وی نشان داد که برنامه آموزش والدگری مثبت سبب افزایش دانش و مهارت و در نتیجه کاهش افسردگی و اضطراب آنها خواهد شد و افزایش خودکارآمدی آنها سبب خودکنترلی فرزندان می‌گردد و خودکارآمدی خود یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های عواطف مثبت و شادی است. روش پژوهش شبه تجربی بوده و جامعه پژوهش شامل کلیه مادران نوجوان ۱۲ تا ۱۴ سال بود که به شیوه تصادفی داده در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شده بود. افلاکی فرد و بزم (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی اثرگذاری فضای آموزشی بر شادی و یادگیری دانش‌آموزان پرداخته‌اند. در پژوهش مذکور، نظرات دانش‌آموزان در مورد محیط آموزشی‌شان در چهار نمونه موردی از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. روش مورد استفاده در مطالعه آنها روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی‌های میدانی بوده است. نتایج بدست آمده بر ارتباط بین نقش عوامل کالبدی و رضایتمندی و دل‌بستگی در دانش‌آموزان تاکید دارد. نیک جو و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان سلامت معنوی و شادکامی دانشجویان به این نتیجه رسیدند که با توجه به رابطه مستقیم سلامت معنوی و شادکامی، مسئولان آموزشی با برنامه‌ریزی کردن برای افزایش سلامت معنوی دانشجویان، می‌توانند زمینه را برای افزایش شادی فراهم کنند و بر این نکته تاکید دارند که سلامت معنوی نقش مهمی در پیشبرد اهداف آموزشی دارد که روش مورد مطالعه آنها، توصیفی-تحلیلی و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سلامت معنوی الیسون و آزمون‌های آماری آکسفورد جمع‌آوری شده است. در پژوهش همتی، (۱۳۹۷) با موضوع احساس شادمانی و عوامل دانشگاهی مؤثر بر آن به این نتایج رسید که رضایت از رشته تحصیلی به طور مستقیم و سرمایه اجتماعی دانشگاهی، امید به آینده شغلی و انگیزه تحصیلی به طور غیرمستقیم بر شادی دانشجویان تأثیر گذار است که پژوهش به صورت کمی و با روش پیمایشی انجام شده است.

در بررسی پارادوکس استرلین مطالعات مختلفی در داخل کشور انجام شده است. از جمله صداقت کالمرزی و زیبری (۱۳۹۹) به بررسی اثر آستانه‌ای نابرابری درآمدی بر شادی در چارچوب پارادوکس استرلین پرداختند. آنها از داده‌های ۳۲ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۵ استفاده کردند. نتایج آنها نشان داده است تا زمانی که ضریب جینی کمتر از ۰/۳۵۸ باشد، افزایش درآمد سرانه تأثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی در کشورهای

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۳۹

در حال توسعه داشته است. اما زمانیکه ضریب جینی بزرگتر از ۰/۳۵۸ باشد، افزایش درآمد سرانه تاثیر معنی‌داری بر شادی نداشته است. بنابراین نتایج مطالعه مذکور موید پارادوکس استرلین است و دلالت وجود پارادوکس استرلین را تشدید نابرابری توزیع درآمد می‌داند. در مطالعه دیگری صداقت کالمرزی و همکاران (۱۴۰۰) به آزمون پارادوکس استرلین با استفاده از فرضیه نفرین منابع در کشورهای اوپک در دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۶ با استفاده از مدل پانل آستانه پویا پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که پارادوکس استرلین در کشورهای اوپک وجود دارد. به عبارت دیگر، ابتدا افزایش نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی موجب بهبود شادی در کشورهای نفتی شده است و پس از عبور از حد آستانه ۰/۴۳، افزایش نسبت رانت نفت به تولید ناخالص داخلی موجب کاهش شادی در این کشورها شده است.

ونهاوون و بیکر (Veenhoven & Bakker, 1977)، در تحقیقی با عنوان سطح تعلیم و تربیت و شادی به این نتیجه رسیدند که نوزده مطالعه بین آموزش و شادی روابط مثبت را گزارش می‌دهند. در هشت مورد هیچ رابطه‌ای پیدا نکردند و یک رابطه منفی پیدا کردند. داده‌ها نشان داده‌است که اثر آموزش بر شادی در طول دهه گذشته در کشور هلند و ایالات متحده کاهش یافته‌است و بر خلاف تصور همیشه سطح بالایی از تحصیلات منجر به شادی بزرگسالان نمی‌شود و تاثیر آموزش بر شادی کم است. کلارک (Clark, 2003)، در تحقیقی نشان داد که در دوران رکود اقتصادی افراد تحصیل کرده به شدت آسیب پذیرترند، این افراد با سرمایه‌گذاری بیشتر در سرمایه انسانی خود، انتظارات بیشتری نسبت به بازار کار دارند.

بلان فلورفلر و اسوالد (Blanchflower & Oswald, 2004)، در تحقیقی با مقایسه دو کشور آمریکا و انگلیس، دریافتند که آموزش تاثیر بیشتری بر شادی نسبت به درآمد در دو کشور داشته است. هایوارد و همکاران (Hayward et al, 2005)، در تحقیقاتی دریافتند که رفاه جامعه نه تنها به سرمایه و کار متکی است بلکه به دانش، ایده‌ها و نوآوری‌ها وابسته است و آموزش منبع اصلی این سرمایه انسانی است. کاستریوتا (Castriota, 2006) با مطالعه ۱۱۸ هزار نفر از افرادی که در نظرسنجی بانک جهانی شرکت کرده‌اند نشان داده است که سطوح آموزشی بالاتر ارتباط چندانی با رضایت از زندگی اظهار شده ناشی از درآمد بالاتر نداشته است و مطلوبیت نهایی درآمد برای افراد کمتر تحصیل کرده بیشتر است. شین و اینگوچی

(Shin & Inoguchi, 2009)، در تحقیقی با بررسی در شش کشور آسیای شرقی دریافتند که اکثر افراد فاقد تحصیلات دبیرستانی نمی‌توانند زندگی شادی داشته باشند. فابرا و کامیسون (Fabra & Camison, 2009)، در تحقیقی با بررسی در کشور اسپانیا نتیجه گرفتند رضایت شغلی در افراد با تحصیلات عالی بیشتر است. چن (Chen, 2012) با تجزیه و تحلیل داده‌ها از چهار کشور آسیای شرقی دریافت که ارتباط مستقیمی بین آموزش و شادی وجود داشته‌است. افزایش تحصیلات روابط اجتماعی را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان داد که افراد با تحصیلات پایین نسبت به افراد با تحصیلات بالا بیشتر از محرومیت اجتماعی رنج می‌برند. فلوریدا و همکاران (Florida et al, 2013)، دریافتند که تحصیلات بالا بیشترین تأثیر را بر شادی نسبت به عوامل اجتماعی و اقتصادی داشته‌است. گراندی و نویچ (Novice, 2013 Gerandi &)، در پژوهش خود با استفاده از آموزش شادی فوردایس نتیجه گرفتند که آموزش شادی موجب افزایش شادکامی می‌شود. استوریسنیگ (Striessnig, 2015)، در مطالعاتی دریافتند که رابطه بین تحصیلات و شادی متمایز از رابطه بین درآمد و شادی است از آنجا که درآمد بالاتر از یک سطح با افزایش شادی همراه نمی‌شود بالعکس بالا رفتن سطح تحصیلات، شادی را افزایش می‌دهد و نتیجه گرفتند که آموزش می‌تواند از طریق تأثیر آن بر درآمد، ثروت، وضعیت اشتغال، موفقیت در ازدواج و سلامتی بر شادی تأثیرگذار باشد.

در مطالعات اخیر خارجی در خصوص پارادوکس استرلین می‌توان به مطالعه استلزنر (Stelzner, 2022) اشاره کرد که در این مطالعه با مدلسازی رابطه بین مصرف، درآمد و شادی یک مدل ریاضی جدید برای پارادوکس استرلین ارائه داده است. مدل ریاضی مذکور توانسته است تفاوت‌های تجربی در مطالعات شادی را توضیح دهد و همچنین به درک رابطه بین رضایت از زندگی تحقق یافته و سایر متغیرها مانند نابرابری کمک می‌کند.

۳. روش تحقیق

به منظور تأثیر آموزش بر شادی مبتنی بر ادبیات نظری تأثیر آموزش بر شادی و سایر مطالعات پیشین از مدل اقتصادسنجی زیر استفاده می‌شود.

$$Hap_{it} = \beta_0 + \beta_1 Edu_{it} + \alpha X_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۴۱

که در آن Hap_{it} شاخص شادی است که از گزارش جهانی شادمانی برای جمع آوری این داده برای کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته استفاده می‌شود. Edu_{it} شاخص‌های آموزشی است که از شاخص‌های متنوعی همچون نرخ ثبت نام ابتدایی، نرخ ثبت نام متوسطه، نرخ ثبت نام دانشگاه و اندازه مخارج آموزشی دولت یا نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود. X_t بردار متغیرهای کنترلی موثر بر شادی است که در آن از لگاریتم تولید سرانه داخلی درآمد سرانه و توان دوم لگاریتم تولید سرانه داخلی درآمد سرانه به منظور بررسی پارادوکس استرلین استفاده می‌شود. همچنین وقفه شادی نیز برای پویایی مدل در صورت تایید آزمونهای مربوطه همچون آرلانو-باند وارد مدل خواهد شد.

از طرف دیگر روشهای برآورد نیز مبتنی بر آزمونهای پانل انتخاب خواهد شد که بسته به اینکه آزمونهای مدل نشان دهنده ایستا یا پویا بودن مدل باشند، برای پانل ایستا مدلهای $pool$ اثرات ثابت و اثرات تصادفی بررسی خواهند شد و برای مدل پویا نیز روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده خواهد شد.

۴. تحلیل نتایج

در این بخش نتایج برآورد مدلهای پژوهش ارائه شده است. ابتدا نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب در حال توسعه ارائه شده است و سپس نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب توسعه یافته تفسیر شده است.

۱.۴ نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب در حال توسعه

قبل از برآورد مدل لازم است آزمون مانایی متغیرهای پژوهش را انجام دهیم. در ادامه نتایج آزمون مانایی لوین، لین و چو (Levin, Lin and Chu, 2002) در جدول ۴-۱ آمده است.

جدول ۴-۱- نتایج آزمون مانایی لوین، لین و چون متغیرهای پژوهش در کشورهای منتخب در حال توسعه

نتیجه آزمون	P-Value	آماره آزمون	نوع آزمون	متغیر
مانایی	۰/۰۰	-۱۲/۷۳	با عرض از مبدا	شادی
مانایی	۰/۰۰	-۷/۳۵	با عرض از مبدا	لگاریتم تولید سرانه داخلی
مانایی	۰/۰۰	-۵/۳۵	با عرض از مبدا	توان دوم لگاریتم تولید سرانه داخلی
مانایی	۰/۰۰	-۲/۵۴	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام پیش دبستانی
مانایی	۰/۰۰	-۶/۱۱	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام ابتدایی
مانایی	۰/۰۰	-۸/۴۰	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام متوسطه
مانایی	۰/۰۰	-۱۰/۶۶	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام دانشگاه
مانایی	۰/۰۰	-۵/۶۰	با عرض از مبدا	اندازه مخارج آموزشی دولت

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد مدل در کشورهای در حال توسعه در جدول ۴-۲ ارائه شده است.

جدول ۴-۲- نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب در حال توسعه

P-Value	ضریب	متغیر
۰/۰۰	۰/۰۴	وقفه اول شادی
۰/۰۰	۶/۰۲	لگاریتم تولید سرانه داخلی
۰/۰۰	-۰/۲۱۸	توان دوم لگاریتم تولید سرانه داخلی
۰/۹۳	-۰/۰۰۰۱	نرخ ثبت نام پیش دبستانی
۰/۰۸	-۰/۰۰۶	نرخ ثبت نام ابتدایی
۰/۰۰	-۰/۰۱۲	نرخ ثبت نام متوسطه
۰/۰۰	-۰/۰۱۸	نرخ ثبت نام دانشگاه
۰/۰۰	-۰/۰۴۵	اندازه مخارج آموزشی دولت
۰/۳۹	۴۳/۷۹	آماره سارگان
۰/۰۰	-۲/۸۴	آزمون آرلانو باند AR(1)
۰/۴۹	-۰/۶۷	آزمون آرلانو باند AR(2)

منبع: محاسبات پژوهش

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۴۳

خلاصه نتایج برآورد مدل در کشورهای در حال توسعه به شرح زیر است:
وقفه اول شادی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر شادی دارد که نشان از پویایی شادی در کشورهای در حال توسعه است. به عبارت دیگر شادی گذشته تاثیر مثبت بر شادی امروز دارد. از آنجاییکه شادی امری ذهنی است لذا تداعی خاطرات شاد گذشته باعث شادی امروز و تداعی ناراحتی گذشته باعث ناراحتی امروز می‌شود. این نتایج با یافته‌های مطالعات صداقت کالمرسی و زبیری (۱۳۹۹) و کاوند و نادمی (۱۴۰۰) سازگار است.

نتایج برآورد مدل شادی در کشورهای در حال توسعه نشان دهنده وجود پارادوکس استرلین در کشورهای در حال توسعه است. به عبارت دیگر افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه ابتدا موجب بهبود شادی در جامعه می‌شود و سپس پس از عبور از آستانه، تاثیری منفی بر شادی بر جای می‌گذارد. این نتیجه از ضریب مثبت لگاریتم تولید سرانه و ضریب منفی توان دوم تولید سرانه حاصل استنتاج شده است. حد آستانه لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه نیز ۱۳/۸۰۷ محاسبه شده است. این حد آستانه از قرارداد مشتق شادی نسبت به لگاریتم تولید داخلی سرانه برابر صفر حاصل می‌شود. بنابراین یافته‌های مقاله حاضر با نتایج مطالعات استرلین (۱۹۷۴)، استرلین (۱۹۹۵) و استرلین و همکاران (۲۰۱۰) سازگار است.

نرخ ثبت نام پیش دبستانی و نرخ ثبت نام ابتدایی در سطح معنای ۵٪ تاثیر معنی‌داری بر شادی نداشته‌است اما نرخ ثبت نام متوسطه و نرخ ثبت نام دانشگاه تاثیر منفی و معنی‌داری بر شادی داشته‌است. به عبارت دیگر هرچه مقطع تحصیلی افراد بالاتر رفته است تاثیر منفی آموزش بر شادی بیشتر شده است. یکی از دلایل این موضوع آن است که با افزایش تحصیلات شادی انتظاری فرد با شادی تحقق یافته وی شکاف بیشتری پیدا می‌کند زیرا ارتقای آموزش باعث افزایش سطح انتظارات فرد شده و در نتیجه چون شادی تحقق یافته در این کشورها متناسب با شادی انتظاری افزایش نمی‌یابد و به دلیل مشکلاتی چون بیکاری تحصیلکرده‌ها و مشکلات اجتماعی-اقتصادی حتی کاهش نیز می‌یابد لذا می‌توان گفت که ارتقای سطح آموزش موجب کاهش بیشتر شادی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. از طرف دیگر ارتقای سطح آموزش موجب آگاهی بیشتر فرد از مشکلات اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و اجتماعی شده و لذا این افزایش آگاهی از مشکلات می‌تواند منجر به کاهش شادی افراد تحصیلکرده شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعه کاستریوتا (۲۰۰۶) سازگار است.

اندازه مخارج آموزشی دولت یا نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تاثیری منفی و معنی دار بر شادی داشته است. این نتیجه نیز همراستا با نتایج نرخ ثبت نام در سطوح مختلف است. به عبارت دیگر سرمایه گذاری دولت در مسیر آموزش و ارتقای سطح آموزش به دلایل ذکر شده موجب کاهش سطح شادی شده است. البته نکته مهمی که می توان از اثرات شاخص های مختلف آموزش بر شادی استنباط کرد این است که عمدتاً کیفیت آموزش از بعد ساختاری و محتوایی در کشورهای در حال توسعه در سطوح بالایی قرار ندارد و همین پایین بودن کیفیت آموزش و عدم توجه به تقویت شادی در محتوای نظام آموزشی خود نیز می تواند دلیلی برای تاثیر منفی شاخص های آموزش بر شادی باشد. آماره سارگان و آماره آرلانو باند درجه اول و دوم نیز حاکی از اعتبار متغیرهای ابزاری و درستی استفاده از روش گشتاوری تعمیم یافته است.

۲.۴ نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب توسعه یافته

قبل از برآورد مدل لازم است آزمون مانایی متغیرهای پژوهش را انجام دهیم. در ادامه نتایج آزمون مانایی لوین، لین و چو (Levin, Lin and Chu, 2002) در جدول ۴-۳ آمده است.

جدول ۴-۳- نتایج آزمون مانایی لوین، لین و چو متغیرهای پژوهش در کشورهای منتخب توسعه یافته

نتیجه آزمون	P-Value	آماره آزمون	نوع آزمون	متغیر
مانایی	۰/۰۰	-۴/۲۰۵	با عرض از مبدا	شادی
مانایی	۰/۰۰	-۴/۳۹	با عرض از مبدا	لگاریتم تولید سرانه داخلی
مانایی	۰/۰۰	-۴/۲۹	با عرض از مبدا	توان دوم لگاریتم تولید سرانه داخلی
مانایی	۰/۰۰	-۵/۱۲	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام پیش دبستانی
مانایی	۰/۰۰	-۲/۷۸	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام ابتدایی
مانایی	۰/۰۰	-۲/۶۴	با عرض از مبدا و روند	نرخ ثبت نام متوسطه
مانایی	۰/۰۰	-۷/۸۴	با عرض از مبدا	نرخ ثبت نام دانشگاه
مانایی	۰/۰۰	-۲/۹۳	با عرض از مبدا	اندازه مخارج آموزشی دولت

منبع: محاسبات پژوهش

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۴۵

نتایج برآورد مدل نیز در جدول ۴-۴ ارائه شده است.

جدول ۴-۴- نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب توسعه یافته با روش اثرات ثابت

متغیر	ضریب	P-Value
عرض از مبدا	-۵۲۸/۷۷	۰/۰۰
لگاریتم تولید سرانه داخلی	۹۷/۲۹	۰/۰۰
توان دوم لگاریتم تولید سرانه داخلی	-۴/۴۱	۰/۰۰
نرخ ثبت نام پیش دبستانی	۰/۰۱	۰/۰۰
نرخ ثبت نام ابتدایی	۰/۰۰۰۶	۰/۸۸
نرخ ثبت نام متوسطه	-۰/۰۰۳	۰/۲۷
نرخ ثبت نام دانشگاه	-۰/۰۰۵	۰/۲۲
اندازه مخارج آموزشی دولت	-۰/۰۰۷	۰/۹۰
آماره لیمر	۳۲/۹۹	۰/۰۰
آزمون هاسمن	۲۴/۲۲	۰/۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۷	

منبع: محاسبات پژوهش

خلاصه نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب توسعه یافته به شرح زیر است: نتایج برآورد مدل شادی در کشورهای در حال توسعه نشان دهنده وجود پارادوکس استرلین در کشورهای توسعه یافته است. به عبارت دیگر افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه ابتدا موجب بهبود شادی در جامعه می‌شود و سپس پس از عبور از آستانه، تاثیری منفی بر شادی بر جای می‌گذارد. این نتیجه از ضریب مثبت لگاریتم تولید سرانه و ضریب منفی توان دوم تولید سرانه حاصل استنتاج شده است. حد آستانه لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه نیز ۱۱/۰۳ محاسبه شده است. این حد آستانه از قرارداد مشتق شادی نسبت به لگاریتم تولید داخلی سرانه برابر صفر حاصل می‌شود. بنابراین یافته‌های مقاله حاضر با نتایج مطالعات استرلین (۱۹۷۴)، استرلین (۱۹۹۵) و استرلین و همکاران (۲۰۱۰) سازگار است.

نرخ ثبت نام پیش دبستانی تأثیری مثبت و معنی دار بر شادی داشته است که نشان دهنده توجه نظام آموزشی پیش دبستانی در این کشورها به ارتقای سطح شادی است. نرخ ثبت نام ابتدایی، نرخ ثبت نام متوسطه و نرخ ثبت نام دانشگاه تأثیر معنی داری بر شادی نداشته‌اند و هرچه مقطع تحصیلی افراد بالاتر رفته است تأثیر مثبت و بی معنی تبدیل به تأثیر منفی و بی معنی شده است. همانطور که در مورد کشورهای در حال توسعه بیان شد، یکی از دلایل این موضوع آن است که با افزایش تحصیلات شادی انتظاری فرد با شادی تحقق یافته وی شکاف بیشتری پیدا می‌کند زیرا ارتقای آموزش باعث افزایش سطح انتظارات فرد شده و در نتیجه چون شادی تحقق یافته متناسب با شادی انتظاری افزایش نمی‌یابد لذا می‌توان گفت که ارتقای سطح آموزش موجب کاهش بیشتر شادی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعه کاستریوتا (۲۰۰۶) سازگار است.

اندازه مخارج آموزشی دولت یا نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تأثیری منفی و بی معنی بر شادی داشته است. این نتیجه نیز همراستا با نتایج نرخ ثبت نام در سطوح مختلف است. به عبارت دیگر سرمایه گذاری دولت در مسیر آموزش و ارتقای سطح آموزش به دلایل ذکر شده موجب کاهش سطح شادی شده است. آماره لیمر و هاسمن در نهایت نشان داده است که مدل اثرات ثابت نسبت به مدل تلفیقی و مدل اثرات تصادفی ارجحیت دارد. البته مدل با روش پویا نیز برآورد شد اما آزمون آرلانو باند درجه اول و دوم و همچنین نتایج بدست آمده موید مدل پویا نبود لذا برای کشورهای توسعه یافته مدل‌های ایستا عملکرد بهتری نسبت به مدل‌های پویا داشته است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مدل توانسته اند ۹۷ درصد تغییرات شادی در کشورهای توسعه یافته را توضیح دهند.

۵. نتیجه گیری و پیشنهاد

هدف از این مقاله بررسی چگونگی اثرگذاری آموزش بر شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۵ با استفاده از روشهای پانل پویا و ایستا بوده است. نتایج برآورد مدل پژوهش در کشورهای منتخب در حال توسعه نشان داده است نرخ ثبت نام پیش دبستانی و نرخ ثبت نام ابتدایی تأثیر معنی داری بر شادی نداشته است اما نرخ ثبت نام متوسطه و نرخ ثبت نام دانشگاه تأثیر منفی و معنی داری بر شادی

داشته‌است. همچنین در این کشورها اندازه مخارج آموزشی دولت یا نسبت مخارج آموزشی دولت به تولید ناخالص داخلی نیز تاثیری منفی و معنی‌دار بر شادی داشته است. همچنین نتایج برآورد مدل پژوهش در کشورهای منتخب توسعه یافته نیز نشان داده است نرخ ثبت نام پیش دبستانی تاثیری مثبت و معنی‌دار بر شادی داشته است اما نرخ ثبت نام ابتدایی، نرخ ثبت نام متوسطه و نرخ ثبت نام دانشگاه تاثیر معنی‌داری بر شادی نداشته‌اند. و هرچه مقطع تحصیلی افراد بالاتر رفته است تاثیر مثبت و بی‌معنی تبدیل به تاثیر منفی و بی‌معنی شده است. اندازه مخارج آموزشی دولت در کشورهای توسعه یافته نیز تاثیری منفی و بی‌معنی بر شادی داشته است. همچنین در هر دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، نتایج برآورد مدل‌های پژوهش نشان دهنده وجود پارادوکس استرلین در کشورهای در حال توسعه است. به عبارت دیگر افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه ابتدا موجب بهبود شادی در جامعه می‌شود و سپس پس از عبور از آستانه، تاثیری منفی بر شادی بر جای می‌گذارد.

بنابراین در مجموع می‌توان نتیجه گرفت هرچه مقطع تحصیلی افراد بالاتر رفته است شادی افراد کاهش یافته یا حداقل بطور معنی‌داری تاثیری بر شادی نداشته است. یکی از دلایل این موضوع آن است که با افزایش تحصیلات شادی انتظاری فرد با شادی تحقق یافته وی شکاف بیشتری پیدا می‌کند زیرا ارتقای آموزش باعث افزایش سطح انتظارات فرد شده و در نتیجه چون شادی تحقق یافته متناسب با شادی انتظاری افزایش نمی‌یابد لذا می‌توان گفت که ارتقای سطح آموزش موجب کاهش بیشتر شادی می‌شود که این موضوع خود توجیهی برای برقراری پارادوکس استرلین در این کشورهاست.

با توجه به اینکه افزایش مقطع تحصیلی موجب کاهش شادی بخصوص در جوامع در حال توسعه می‌شود پیشنهاد می‌شود ساختار و محتوای نظام آموزشی در راستای پرورش روحیه شادی و تقویت مهارت‌های شادی‌آفرینانه تحول یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود سیاست‌های اشتغالزایی جوانان تحصیلکرده در اولویت اشتغالزایی قرار گیرد زیرا بیکاری افراد تحصیلکرده می‌تواند یکی از دلایل مهم کاهش شادی در اقشار با تحصیلات عالی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باشد.

کتاب نامه

- افلاکی فرد، حسین و بزم، قاسم (۱۳۹۷). تأثیر گذاری فضای آموزشی در شادی و یادگیری دانش آموزان. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، (۲)، ۴۳-۵۷.
- بحیرائی، الیا، شهیدی، شهریار و فتح آبادی، جلیل (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی بر شادی کودکان. مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان شناسی ایران. روان شناسی معاصر، (ویژه نامه)، ۳۰۵-۳۰۸.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی و پهلوان صادق، اعظم (۱۳۹۰). تأثیر سطح تحصیلات و آموزش برنامه شادی فوردایس بر افزایش نشاط. مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی. ۹ (۱۵)، ۲۱-۴۰.
- برخوری، حمید، رفاهی، ژاله و فرح بخش، کیومرث (۱۳۸۸). اثر بخشی مهارت های مثبت اندیشی به شیوه‌ی گروهی بر انگیزه‌ی پیشرفت، عزت نفس و شادکامی دانش آموزان پسر پایه ی اول دبیرستان شهر جیرفت. فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۵)، ۱۴۴-۱۳۱.
- بهرامی، اعظم (۱۳۹۶). تأثیر آموزش والدگری مثبت مبتنی بر شادی بر خودکار آمدی دختران. مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان شناسی ایران، روان شناسی معاصر، ۱۲(ویژه نامه) ۳۵۴-۳۵۸.
- جعفری، محمد (۱۳۹۵). سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشور های اسلامی. پژوهش‌نامه‌ی اقتصاد کلان، ۱۱(۲۲)، ۶۵-۸۴.
- صداقت کالمرزی، هانیه و زبیری، هدی (۱۳۹۹). نابرابری در توزیع درآمد و دلالت‌های پارادوکس استرلین. اقتصاد و تجارت نوین، ۱۵(۳)، ۸۳-۱۰۶.
- صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام و سهیلی، کیومرث (۱۴۰۰). آزمون پارادوکس استرلین در چارچوب فرضیه نفرین منابع: مورد مطالعاتی کشورهای عضو اوپک. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۰(۳۸)، ۱-۱۴.
- کاوند، علی و نادمی، یونس (۱۴۰۰). درجه باز بودن تجاری و شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه. مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۶(۲)، ۹۵-۱۱۷.
- مجیدی، طیبه، جعفری، پریش و حسینی، محمد علی (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مدیریت استرس بر شادی کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی. صنعت حمل و نقل دریایی، ۱(۳)، ۵۸-۶۲.
- محمد زاده، پرویز، اصغر پور، حسین و منیعی، امید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران. تحقیقات اقتصادی، ۱(۴۸)، ۱۳۹-۱۵۸.

اثرات آموزش بر شادی: دلالت‌هایی بر پارادوکس استرلین ... (مینا مشگریز و دیگران) ۱۴۹

نیاز آذری، کیومرث (۱۳۹۲). بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری. دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۲(۳)، ۳۵-۵۷.
نیک جو، رویا، محمدی، راحله، اعتباری اصل، فرزانه، فرضی پور، شهلا و اعتباری اصل، زهرا (۱۳۹۷). ارتباط بین سلامت معنوی و شادکامی در دانشجویان. مجله اخلاق پزشکی، ۱۲(۴۳)، ۱-۱۰.

همتی، رضا (۱۳۹۷). احساس شادمانی و عوامل دانشگاهی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۴)، ۲۱-۳۸.

- Blanchflower, D.G. and Oswald, A.J.(2004). Well-being over time in Britain and the USA, *Journal of Public Economics*, 88(7-8), 1359-1386.
- Castriota, S. (2006). Education and happiness: A further explanation to the Easterlin Paradox. Unpublished paper.
- Chen, W. C. (2012). How education enhances happiness: Comparison of mediating factors in four East Asian countries, *Social indicators research*, 106 (1), 117-131.
- Clark, A.E.(2003). Unemployment as a Social Norm: Psychological Evidence from Panel Data. *Journal of Labor Economics*, 21(2), 323-351.
- Dursun, B. & Cesur, R. (2015). Education, Hopes, and the Happiness of Young Adults.
- Easterlin, R. A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. In P. A. David & W. R. Melvin (Eds.), *Nations and Households In Economic Growth* (pp. 89-125). New York, NY: Academic Press.
- Easterlin, R. A. (1995). Will raising the incomes of all increase the happiness of all?. *Journal of Economic Behavior & Organization*, No. 27(1), 35-47.
- Easterlin, R. A., McVey, L. A., Switek, M., Sawangfa, O., & Zweig, J. S. (2010). The Happiness-Income Paradox Revisited. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 107(52), 22463-22468.
- Fabra, M.E. and Camison, C. (2009). Direct and indirect effects of education on job satisfaction: A structural equation model for the Spanish case. *Economics of Education Review* 28(5), 613-627.
- Florida, R. Mellander, C. and Rentfrow, P.J. (2013). The Happiness of Cities. *Regional Studies* 47(4), 613-627.
- Gerandi, R. & Novice, E. A. (2013). The effect of happiness training on stress, *Annual Review of Psychology Annual Reviews Inc, Paolo Alto California*. 52, 141 - 146.
- Hayward, K., Pannoza, L., & Colman, R. (2005). Developing indicators for the educated populace domain of the Canadian index of wellbeing. Interim Report, GPI Atlantic, Halifax.
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. S. J. (2002). Unit root tests in panel data: asymptotic and finite-sample properties. *Journal of econometrics*, 108(1), 1-24.

- Nikolaev, B. (2018). Does higher education increase hedonic and eudaimonichappiness?.
Journal of happiness Studies, 19(2), 483-504.
- Shin, D. C., & Inoguchi, T. (2009). Avowed happiness in Confucian Asia: Ascertaining its
distribution, patterns, and sources. Social Indicators Research, 92(2), 405-427.
- Stelzner, M. (2022). Growth, consumption, and happiness: modeling the easterlin paradox.
Journal of Happiness Studies, 23(2), 377-389.
- Striessnig, E. (2015). Too educated to be happy, An investigation into the relationship
between education and subjective well-being.
- Veenhoven, R. (1990), Inequality in happiness, inequality in countries compared between
countries, Paper 12th Work Congress of Sociology, Madrid, Spain.
- Veenhoven, R. & Bakker, P. (1977). Level of education and the promise of happiness.
Working paper, Erasmus University, Rotterdam.

